



۴ کشته و ۸ مصدوم در دوسانحه رانندگی

گروه حوادث/ وقوع دوسانحه رانندگی در آزادراه پیامبر اعظم (ص) محدوده بستان آباد وتبریز ۴ کشته و ۸ مصدوم برجا گذاشت.

وحید شادی‌نیا، سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی گفت: صبح دیروز دوسانحه رانندگی در بزرگراه پیامبر اعظم این استان رخ داد که نخستین سانحه ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح به مرکز اورژانس استان اطلاع داده شد. وقتی امدادگران به محل رسیدند مشخص شد یک دستگاه اتوبوس در آزادراه پیامبر اعظم (ص)، محدوده خبرآباد، پنج کیلومتر بعد از عوارضی واژگون شده و در این حادثه ۵ نفر مصدوم شده و دو نفر فوت کردند که تمام مصدومان توسط عوامل اورژانس به بیمارستان بستان آباد انتقال یافتند. وی ادامه داد: ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه صبح گزارش سانحهای دیگر در مسیر روبه روی سانحه قبلی در محدوده «قره‌بابا» به مرکز اورژانس استان اطلاع داده شد که در این حادثه ۳ دستگاه تریلی، اتوبوس و سواری گشت اداره راه با یکدیگر برخورد کرده بودند و رانندگان تریلی و سواری در محل جان باختند و در این حادثه سه نفر از سرنشینان اتوبوس مصدوم شدند. علت این تصادفات از سوی کارشناسان پلیس راه در حال بررسی است.

■ **واژگونی مینی بوس کارمندان جهاد کشاورزی لرستان**

واژگونی مینی بوس حامل کارکنان اداره جهاد کشاورزی در جاده پلدختر- خرم‌آباد نیز صبح دیروز ۱۱ مجروح داشت. سیدحبیب‌الله موسوی بخشدار معمولان در تشریح این خبر گفت: صبح شنبه یک دستگاه مینی بوس حامل کارکنان اداره جهاد کشاورزی بخش معمولان در جاده پلدختر - خرم آباد به علت لغزنده بودن جاده حین بارندگی در منطقه «چم انجیر» واژگون شد که ۱۱ نفر مجروح وبا هماهنگی اورژانس ۱۱۵ برای مداوا به بیمارستان تأمین اجتماعی خرم آباد منتقل شدند.

پایان ۱۰ ماه فرار عامل قتل بانارنجک دستی

گروه حوادث/ پسر جوان که با پرتاب نارنجک دستی در شب چهارشنبه سوری باعث مرگ یکی از هم محله‌ای‌هایش شده بود با ردیابی‌های ۱۰ ماهه پلیس استان البرز دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه خونین شامگاه ۲۶ اسفند پارسال و همزمان با برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در مهر شهر کرج رخ داد. پسر ۱۸ ساله‌ای به نام فرید که تعدادی نارنجک دستی همراه داشت با دیدن یکی از هم محله‌ای‌هایش که پسری ۱۶ ساله بود نزدیک وی رفت تا با پرتاب نارنجک او را بترساند اما انفجار ناگهانی نارنجک‌ها در دستان پسر نوجوان منجر به قطع دست خودش و جراحات شدید پسر نوجوان شد.

به‌دنبال این حادثه دلخراش هر دوپسر به بیمارستان منتقل شدند اما فرید وقتی در بیمارستان متوجه شد پسر نوجوان بر اثر جراحات‌های شدید جان باخته است با وجود اینکه خودش در این حادثه انگشتان دستش قطع شده بود پا به فرار گذاشت با شکایت خانواده مقتول بلافاصله تیمی از کارآگاهان جنایی پلیس البرز تشکیل شد و فرید تحت تعقیب پلیس قرار گرفت اما مشخص شد وی از خانه و محل زندگی اش فرار کرده است با این حال ردیابی‌ها ادامه داشت تا اینکه بعد از ۱۰ ماه کارآگاهان سرخ دستگیری متهم را در اصفهان پیدا کرده و سرانجام در مخفیگاهش دستگیر شد.

این متهم پس از انتقال به اداره پلیس آگاهی استان البرز در همان بازجویی‌های اولیه لب به اعتراف گشود و گفت: مدتی قبل از این حادثه با امید بر سر موضوعی اختلاف پیدا کرده بودیم و آن شب می‌خواستم با پرتاب نارنجک‌ها او را بترسانم اما فکر نمی‌کردم این اتفاق بیفتد. فرید اظهار داشت زمانی که قصد پرتاب نارنجک را داشته در حالت عادی نبوده و تمرکز نداشته به نحوی که نارنجک در دستانش منفرج و انگشتانش هم قطع شده است. وی در ادامه مدعی شد در این ۱۰ ماه آواره و سرگردان شهرها بوده اما در نهایت در اصفهان دستگیر شده است.

سرهنگ محمد نادریبگی رئیس پلیس آگاهی استان البرز به خبرنگار «ایران» گفت: متهم پس از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده به زندان منتقل شد و بزودی با تکمیل تحقیقات محاکمه می‌شود.

کلاهبرداری ۵ میلیاردی مشاواراملاک

گروه حوادث/ مشاواراملاکی که با اجاره خانه‌های مردم به ۵۰ نفر ۵ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود، توسط فرماندهی انتظامی ری دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده با شکایت چند شهروند مبنی بر کلاهبرداری و اجاره دادن محل‌های مسکونی توسط یکی از مشاواران املاک با مدارک جعلی آغاز شد. با توجه به موضوع مشابه در شکایات مالباختگان بررسی موضوع در اختیار تیمی از مأموران کلاترزی ۱۷۶ حسن آباد قرار گرفت. با آغاز تحقیقات مشخص شد که یکی از امتصدیان مشاوار املاک با جعل مدارک، درغیاب صاحبان ملک اقدام به تنظیم اجاره نامه کرده و بعد از تسویه حساب کامل با فرد مستأجر واحدها را بدون اجازه مالک تحویل مستأجران داده و متواری شده است.

سرهنگ دوستعلی جلیلیان فرمانده انتظامی شهرستان ری در این باره گفت: با محرز شدن عمل مجرمانه متهم، شناسایی و بازداشت وی و در دستور کار قرار گرفت و متهم دستگیر شد و در همان ابتدا هم به کلاهبرداری و جعل مدارک اعتراف کرد.

متهم به ۵۰ فقره کلاهبرداری اعتراف کرده اما تاکنون ۳۰ مالباخته شناسایی شده‌اند و تحقیقات در خصوص کلاهبرداری‌های بیشتر از سوی متهم و شناسایی سایر مالباختگان ادامه دارد.

قاتل عمه خانم در انتظار حکم مجازات

گروه حوادث/ پسر بیکار که برای پرداخت بدهی ۱۰ میلیون تومانی خود عمه پدرش را با ضربه ماهیابه کشته و به قصاص محکوم شده بود در حالی حکمش نقض شد که قضات دیوان عالی کشور اعلام کردند ضربه وارد شده به سر مقتول کشنده نبوده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این جنایت سال گذشته در محدوده شهرک ولیعصر تهران رخ داد. مرد جوانی که خبر مرگ مادرش را به پلیس اعلام کرده بود گفت: مادرم ۷۹ ساله بود و تنها در خانه‌اش زندگی می‌کرد. اما چون بیماری قلبی داشت من در خانه‌اش دوربین مداربسته گذاشته بودم تا همیشه او را ببینم و مراقبش باشم. روز حادثه متوجه شدم دوربین‌های خانه مادرم خاموش شد. به همین خاطر سراسیمه به خانه مادرم رفتم اما جسد او را پیدا کردم که پلاهایش نیز سرقت شده بود.

در ادامه ردیابی یک آشنا در این جنایت پیدا شد و مأموران دریافته‌اند پسر جوانی که از بستگان مقتول است چندباری به خانه این زن که عمه پدرش بوده رفت و آمد داشته است.

افشای راز مرگ دوم در نمایندگی فروش خودرو

حفر چاه ۳۰ متری برای یافتن گنج



اما محسن، نگهبان جوان مدعی بود که بر اثر این حادثه حافظه‌اش را از دست داده و حوادث آن شب را به‌خاطر نمی‌آورد. بنابراین بازپرس جنایی از پزشک معالج او خواست تا این موضوع را بررسی کند که طبق نظر متخصصان تیم پزشکی، موضوع فراموشی وی منطقی و ساختگی اعلام شد.

■ **خاموشی دوربین‌های مدار بسته**

در ادامه بررسی‌ها، از آنجایی که مرکز مجهز به دوربین‌های مداربسته نبود، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به سراغ دوربین‌ها رفته تا به بازبینی حادثه بپردازند. اما مشخص شد یک ساعت قبل از حادثه دوربین‌ها به طرز مرموزی خاموش شده بود که همین مسأله شک مأموران به ادعای شاهدان را بیشتر کرد. همچنین مشخص شد هر شب در آن ساعت دوربین‌ها خاموش می‌شده است.

■ **در جست‌وجوی گنج**

در ادامه تحقیقات کارآگاهان موفق شدند یکی از کارگران مرکز فروش خودرو را که شب حادثه همراه قربانیان حادثه بوده شناسایی کنند. کارگر جوان زمانی که در مقابل بازپرس جنایی قرار گرفت، راز عجیبی را برملا کرد و گفت: از شهرستان برای کار به تهران آمدم و در مرکز فروش خودرو مشغول به کار شدم. چند وقتی گذشته بود که از اهالی محل شنیدیم دفینه‌ای قیمتی و عتیقه زیر این

کشف جسد سوخته از سوی سگ گله

گروه حوادث/ پیدا شدن جسد سوخته یک مرد از سوی سگ چوپان در جاده ساوه پرونده جنایی دیگری را مقابل کارآگاهان جنایی پایتخت گشود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۳:۷ و ۲۶ آذر، مأموران کلاترزی ۱۵۱ یافت‌آباد در تماس با بازپرس محمد وهابی از کشف جسدی سوخته در بزرگراه آزادگان، ابتدای جاده ساوه، خبر دادند. با اعلام این خبر بازپرس جنایی و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل که بیابانی در ۵۰ متری جاده ساوه بود، شدند. جسد را مرد چوپانی کشف کرده بود و در تحقیقات گفت: در حال چرای گوسفندان بودم که متوجه سروصدای سگ گله شدم. ابتدا توجه نکردم اما سگ مدام پارس می‌کرد، وقتی به سمتی که در آنجا

■ یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰
 ■ سال بیست و هفتم
 ■ شماره ۷۸۰۲

نامزد سابق زندگی زوج جوان را به طلاق رساند

گروه حوادث/ بارش باران و باد سرد پاییزی تنها عاملی بود که آن روز حیاط دادگاه خانواده را از حضور زوج‌هایی که برای جدایی آمده بودند خلوت کرده و باعث شده بود آنها به داخل راهروها و پشت در اتاق قضات پناه ببرند.

اما طبقه سوم دادگاه آن روز بسیار شلوغ‌تر از سایر طبقات بود و در میان مراجعه کنندگان زوج کم سن و سالی که رفتار و حرکات‌شان بسیار کودکانه بود توجهم را جلب کرد.

می‌خواستم جلو بروم و بپرسم چرا به دادگاه آمده‌اند که منشی یکی از شعبه‌ها اسم آنها را صدا کرد و هر دو به داخل اتاق قاضی رفتند. من هم از روی کنجکاوی به دنبالشان وارد اتاق شدم. با منشی دادگاه که مرا می‌شناخت سلام و احوال‌پرسی کردم و منتظر شروع جلسه رسیدگی شدم.

قاضی که در حال مطالعه پرونده این زوج بود پس از چند دقیقه سربلند کرد و با تعجب به پسر جوان گفت: واقعاً به خاطر همین موضوع دادخواست طلاق داده‌ای؟

پسر جوان که کیانوش نام داشت و ۲۲ ساله بود با قاطعیت گفت: بله جناب قاضی منکر دروغ موضوع کوچک و بی‌اهمیتی است؟ برای من و خانواده‌ام خیلی مهم بوده و هست، قاضی گفت: خوب توضیح بده ببینم ماجرا از کجا شروع شد.

کیانوش با نگاهی به همسرش مژگان گفت: ما از کودکی همسایه بودیم و کم کم به هم علاقه‌مند شدیم. وقتی می‌خواستم به سربازی بروم به مژگان گفتم که او را دوست دارم و می‌خواهم با او ازدواج کنم او هم قبول کرد و من به خدمت رفتم البته در این مدت کم و بیش با هم در تماس بودیم وقتی سربازی‌ام تمام شد به خواستگاری رفتیم و عقد کردیم و در کمتر از ۴ ماه به اصرار خانواده مژگان عروسی گرفتیم و زیر یک سقف زندگی مشترک‌مان آغاز شد. اما حالا متوجه شدم در زمانی که من سرباز بودم مژگان با مرد دیگری نامزد کرده اما به هم خورده است.

قاضی رو به مژگان کرد و گفت دخترم چرا نگفتی که قبلاً نامزد داشتی؟ مژگان هم من من کنار گفت اون مدتی که کیانوش خدمت سربازی بود برایم خواستگار آمد و من به اصرار خانواده‌ام با او نامزد کردم اما خیلی زود نامزدی به هم خورد و من به کیانوش نگفتم چون اصلاً مهم نبود. فکر کردم گفتنش بیشتر از نگفتنش به او آسیب می‌زند. اما الان او مرا به خیانت متهم می‌کند و می‌گوید به من اعتماد ندارد.

کیانوش گفت: اگر همسرم به من می‌گفت شاید راحت‌تر با این موضوع کنار می‌آمدم تا اینکه در یک جمع مردانه ناگهان از زبان نامزد سابقش بشنوم که به من بگوید همسرت قبلاً نامزد من بوده است. باور کنید جناب قاضی آن لحظه دلم می‌خواست زمین دهان باز کند و مرا ببلعد تا آنقدر خجالت نکشم. بدتر از همه اینکه وقتی از خود مژگان پرسیدم این موضوع را تأیید کرد و من بیشتر عصبانی شدم.

من حالا به او به چشم یک زن خیانتکار نگاه می‌کنم چرا که او قبل از رفتن من به سربازی قول داده بود منتظر بماند تا من برگردم و با هم ازدواج کنیم.

مژگان هم با تاراحتی گفت: من خیانتکار نیستم این قول بین من و تو بود، خانواده‌ام که نمی‌دانستند ما به هم قول و قرار گذاشته‌ایم اصلاً می‌خواستی قبل از رفتن به سربازی به خواستگاری‌ام بیایی تا نامزد کنیم و خانواده‌هایمان در جریان باشند. وقتی برایم خواستگار آمد و همه شرایطش از نظر خانواده‌ام خوب بود، نتوانستم جواب رد بدهم با این حال بعد از نامزدی دنبال بهانه‌ای بودم تا این نامزدی را به هم بزنم آن هم به خاطر تو که البته همین کار را هم کردم حالا این به جای قدردانی و تشکر از من است که مرا به خیانت متهم می‌کنی؟ وقتی قاضی دعوی این زوج را دید با تحکم از آنها خواست تا آرام باشند و سکوت کنند.

کیانوش با نگاهی به حلقه درون دستش گفت: آقای قاضی من نمی‌توانم با این زن زندگی کنم خدی می‌داند از وقتی فهمیدم حتی یک شب خواب راحت نداشتم. من به مژگان اعتماد ندارم مدام فکرم می‌کنم او در مورد بقیه مسائل زندگی هم به من دروغ گفته و پنهانکاری کرده است.

مژگان نیز رو به قاضی کرد و گفت: از وقتی این ماجرا فاش شده کیانوش دیگر اجازه نمی‌دهد پالم را از خانه بیرون بگذارم. ارتباطم را با تمام دوستانم قطع کرده و می‌گوید حق نداری با دوستانت بیرون بروی. مگر من زندانی او هستم؟

کیانوش که از شنیدن این حرف‌ها عصبانی شده بود، گفت: من برای طلاق به اینجا آمده‌ام و نمی‌خواهم تسلیم خواسته‌های این زن بشوم.

قاضی که از لجبازی این زوج خسته شده بود، گفت: بایاید صورتجلسه را امضاود خیابان میرداماد تیمی از مأموران شناسایی و دستگیری متهمان را در دستور کار قرار دادند. مأموران در گام نخست با تحقیقات میدانی موفق شدند تصویری از چهره یکی از سارقان پیدا کنند و در تطبیق چهره وی با آلبوم تصاویر متهمان، هویت یکی از آنها شناسایی شد و این متهم در یکی از شهرستان‌های غرب کشور و هماهنگی قضایی دستگیر شد.

سرهنگ قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: متهم پس از دستگیری به سرقت دلارها به ارزش بیش از ۳۷ میلیارد ریال با همکاری همدستش اعتراف کرد. ردیابی‌ها برای دستگیری متهم فراری در دستور کار مأموران قرار داد.

دستگیری کیف‌قلب میلیاردر

گروه حوادث/ دو سارق کیف‌قاپ که بیش از ۱۸۰ هزار دلار از یک شهروند سرقت کرده بودند، دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، در پی کیف‌قاپی ۲ موتورسوار از محدود خیابان میرداماد تیمی از مأموران شناسایی و دستگیری متهمان را در دستور کار قرار دادند. مأموران در گام نخست با تحقیقات میدانی موفق شدند تصویری از چهره یکی از سارقان پیدا کنند و در تطبیق چهره وی با آلبوم تصاویر متهمان، هویت یکی از آنها شناسایی شد و این متهم در یکی از شهرستان‌های غرب کشور و هماهنگی قضایی دستگیر شد.

سرهنگ قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ در این باره گفت: متهم پس از دستگیری به سرقت دلارها به ارزش بیش از ۳۷ میلیارد ریال با همکاری همدستش اعتراف کرد. ردیابی‌ها برای دستگیری متهم فراری در دستور کار مأموران قرار داد.